

واکاوی نتایج و پیامدهای امنیتی تقابل عثمانی و ارامنه (1915 م.) بر مرزهای

جمهوری اسلامی ایران با ارمنستان و ترکیه

همت‌اله شمولی¹، محمدعلی بصیری²

تاریخ دریافت: 1397/07/29

تاریخ پذیرش: 1397/09/11

از صفحه 119 تا 142

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات تاریخ نظامی

سال پنجم، شماره هجدهم، پاییز 1397

چکیده

نیروی دریایی مهم‌ترین عامل قدرت در قرن نوزدهم و بیستم محسوب می‌شد، کشور ایران به دلیل دارا بودن بیش از 1200 کیلومتر مرز دریایی، در خلیج فارس و دریای عمان در جنوب که بیشترین خط ساحلی در بین کشورهای منطقه محسوب می‌شود؛ از موقعیت مناسبی برای تشکیل ناوگان دریایی در این دوره که بیشتر آن، معاصر با حکومت قاجاریه بر ایران است، برخوردار بود. لذا هدف از این پژوهش بررسی وضعیت نیروی دریایی ایران در عصر قاجاریه در خلیج فارس و دریای عمان است. این تحقیق با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع دست‌اول تاریخی به بررسی وضعیت ناوگان دریایی ایران در خلیج فارس در عصر قاجاریه خواهد پرداخت.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در ایران عصر قاجاریه در مرزهای ساحلی جنوب، اغلب مؤلفه‌های قدرت دریایی همچون: موقعیت جغرافیایی، ویژگی‌های طبیعی، سواحل طولانی، جمعیت و علاقه‌مندی مردم جنوب به دریا و دریانوردی به صورت بالقوه وجود داشته است؛ اما به‌رغم وجود این شرایط مناسب و بالقوه ناوگان دریایی و نظامی ایران در خلیج فارس یکی از ضعیف‌ترین ناوگان‌های دریایی در منطقه بوده که حتی قادر به حفظ امنیت و پاسداری از سواحل خود نیز نبوده است. نبود یک خط‌مشی روشن و مشخص در اداره این مناطق مهم و استراتژیک، عدم شناخت و توجه کافی سلاطین و سیاستمداران قاجاری از اهمیت بنادر و جزایر جنوب و حضور پررنگ و قدرتمند کشورهای استعمارگر به خصوص انگلستان در خلیج فارس، باعث شدند تا هیچ‌گاه قدرت دریایی ایران در عصر قاجار نتواند آن‌طور که باید ظهور و بروز پیدا کند.

کلید واژه‌ها

مرز، امنیت، نسل‌کشی، ایران، ترکیه، ارمنستان.

1- دکتری علوم سیاسی، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، (نویسنده مسئول) hshamouli@gmail.com

2- دکتری علوم سیاسی، دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان. Basiri@ase.ui.ac.ir

مقدمه

نسل‌کشی ارمنه، به اعتقاد ارمنه به نابودی عمدی و از پیش برنامه‌ریزی شده ارمنه، توسط حکومت عثمانی در سال 1915م اشاره دارد. امروزه از این رویداد به‌طور گسترده به‌عنوان یکی از نسل‌کشی‌های قرن بیستم یاد می‌شود. این نسل‌کشی به حوادث و اتفاقات در امپراتوری عثمانی که ارمنه را مجبور به ترک خانه و کاشانه خود گرداند و آن‌ها را از مسیر طولانی و بیابانی، بدون آب و غذا کوچ دادند که در این بین کشتار عظیمی صورت گرفت. این حادثه نیز همانند حوادث دیگر در تاریخ بشر از دو جهت‌گیری مخالفان نسل‌کشی و موافقان نسل‌کشی بهره می‌برد. در این مقاله تلاش گردید استدلال‌ات موافقان نسل‌کشی ارمنه و اهداف عثمانی از این کشتار مورد بحث، تجزیه و تحلیل قرار گیرد. بررسی صحت و سقم قتل‌عام ارمنه در حوزه تاریخ‌نگاری، امری دشوار است ولی غیرممکن نیست. این موضوع تبدیل به یکی از دشواری‌های تاریخ‌نگاری معاصر شده است و تأثیر عمیقی بر روابط ترکیه و ارمنستان و غرب برجای گذاشته است. ارمنه معتقدند که نسل‌کشی و قتل‌عام گسترده علیه ارمنیان، در بحبوحه جنگ جهانی اول رخ داده و حکومت عثمانی رفتاری مشابه حکومت نازیسم آلمان، در قبال یهودیان، داشته است. از سوی دیگر، برخی مورخان ترک این موضوع را غیر واقعی و غیرتاریخی می‌دانند و آن را رد می‌کنند. دولت ترکیه با وجود پذیرش واقعه دردناک تاریخی، در قبال ارمنی‌ها درائت‌های جنگ جهانی اول در امپراتوری عثمانی، از پذیرفتن این واقعه با عنوان نسل‌کشی خودداری کرده است. این دولت وجود سیاست سیستماتیک و عمدی، برای نابودی ارمنه را قبول ندارد. دولت ترکیه جان باختن تعدادی از ارمنه در طول جنگ جهانی اول را به رسمیت شناخته است اما مدعی است که در این واقعه، ترک‌های مسلمان هم کشته شده و مورخان ارمنی، در بازتاب تعداد کشته‌شدگان ارمنی بزرگ‌نمایی کرده‌اند. دولت ترکیه مدعی است که این واقعه نتیجه خشونت‌ها و درگیری‌های گسترده قومی، در طول جنگ جهانی اول بود و ارمنه و ترک‌های عثمانی، هر دو، مسئول این واقع بودند. برای ما ایرانیان که در جوار حکومت عثمانی و ترکیه فعلی، از یک‌سو و ارمنستان از سوی دیگر بوده و هستیم و با هر دو ملت روابط تاریخی و حسنه داریم، اهمیت شناخت این واقعه خطیر است و تأثیر مهمی در بازخوانی تاریخ دارد. مقامات ترکیه، خصوصاً از سال 1380 ش/2001 م، به بعد که

«حزب عدالت و توسعه» به قدرت رسیده است به دنبال آشتی تاریخی و سیاسی با ارمنستان بوده‌اند. در سال 1383 ش/2005 م، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، از مورخان ترک و ارمنی و بین‌المللی برای تشکیل کمیسیونی مشترک و ارزیابی مجدد وقایع سال 1293 ش/1915 م، بر اساس اطلاعات و مستندات موجود در آرشیوهای ترکیه و ارمنستان و کشورهای دیگر دعوت کرد. با این وصف، خاطره این واقعه به‌عنوان خاطره بسیار مهم بر هویت ملی ارامنه تا به امروز باقی مانده‌است. بسیاری از ارامنه ادعا می‌کنند که هیچ سازشی با جمهوری ترکیه تا زمان به رسمیت شناختن عمل نسل‌کشی امکان ندارد. اجماع نظری علمی، درباره این تراژدی تاریخ تاکنون به‌دست نیامده است. مقاله حاضر ضمن پذیرش بروز فاجعه وحشتناک نسبت به ارامنه و مسلمانان، در اثنای جنگ جهانی اول، بیشتر سعی می‌کند بیان کند که استدلال مخالفان فرضیه نسل‌کشی ارامنه در خصوص این حادثه چیست. همچنین ادامه این اختلاف و بحران، تأثیر آن بر امنیت مرزهای ایران با ارمنستان و ترکیه بررسی خواهد شد. سپس نتایج پژوهش‌های علمی - تاریخی را که در این زمینه صورت گرفته است بر اساس روش توصیفی - تحلیلی بررسی کند. این مقاله به دنبال آن است که استدلال مخالفان نامیدن این حادثه با عنوان نسل‌کشی را واکاوی کند و قضاوت را به عهده خواننده می‌گذارد.

پیشینه پژوهش

در رابطه با این موضوع، در سال‌های اخیر آثاری به زبان لاتین منتشر شده است و در متن مقاله به آن‌ها استناد می‌کنیم، به‌طور خاص در زمینه دیدگاه‌های مخالف نسل‌کشی، کار پژوهشی معدودی به زبان فارسی انجام گرفته است که می‌توان به برخی از این نمونه‌ها اشاره کرد:

اصفهانیان (1347) مقاله‌ای با عنوان «مسئله ارامنه در امپراتوری عثمانی» نگاشته و تلاش کرده است تا به بازخوانی این واقعه بپردازد. وی در این مقاله معتقد است که مسئله ارامنه در امپراتوری عثمانی بیشتر، ریشه در اختلافات دولت عثمانی با دولت‌های بریتانیا و روسیه دارد که در طول جنگ جهانی اول این مسئله به قتل‌عام ارامنه منجر شده است. اصفهانیان از نظر تاریخی، سرکوب شدید ارامنه و کشتار آنان توسط دولت عثمانی را پذیرفته است ولی معتقد است باید شروع‌کننده آشوب‌ها، در سرزمین عثمانی

مشخص شود. ارامنه در طول سالیان متمادی، به تحریک ارامنه اروپا و آمریکا و به ویژه ارامنه روسیه، مقاومت‌ها و قیام‌هایی را سازماندهی کرده و خواستار خودمختاری ارمنستان شرقی و غربی بوده‌اند. این تحرکات در زمان جنگ جهانی اول به اوج خود رسیده و حتی در مناطقی، به درگیری با سربازان امپراتوری منجر شده است (اصفهانیان، 1348: 20 تا 30).

رائین (1357) تحقیقات بسیار با ارزشی درباره ادعای قتل‌عام ارامنه انجام داده و نتیجه تحقیقات خود را در کتاب «قتل‌عام ارمنیان» ارائه کرده است. این محقق، همان‌طور که شیوه کار تحقیقی وی است، برای نگارش این کتاب نیز از منابع مختلفی استفاده کرده است. ارزش کار تحقیقی رائین چنان است که امروز کتاب فوق‌الذکر، از جمله کتاب‌های مرجع و معتبر ایرانی به حساب می‌آید. براساس گفته اسماعیل رائین: «جنایت به طرز بسیار اصولی انجام گرفت. نقشه بسیار هوشمندانه و زیرکانه تدوین شده بود؛ زیرا تردیدی نیست که اجرای چنین طرحی، قطعاً با عکس‌العمل و مقاومت متشکل یا پراکنده ارمنیان مواجه می‌شد. بدین جهت، باید ترتیبی داده می‌شد که نخست احتمال هرگونه مقاومتی از میان برود؛ یعنی همه نیروهای مقاوم فلج شوند و این نیرو طبعاً مردان و مخصوصاً جوانان هستند... عثمانی‌ها برای اینکه با هیچ‌گونه اعتراض و عکس‌العمل خطرناکی روبه‌رو نشوند، در درجه اول مردان و جوانان را به بهانه سربازی از گردونه خارج می‌کنند تا پس از آن با خیال راحت، حساب میلیون‌ها زن و کودک و پیرزن و پیرمرد را تسویه کنند. بدون اینکه کوچک‌ترین خطری از ناحیه مردان و نیروهای مقاوم تهدیدشان کند...» (رائین، 1357: 68 تا 70). همان‌طور که از این نقل‌قول برمی‌آید نویسنده موضع کاملاً ضدعثمانی اتخاذ کرده یا احتمالاً به منابع مخالف نسل‌کشی دسترسی نداشته است.

باغداساریان (1385) نیز در مقاله‌ای، با عنوان «نگاهی کوتاه به تاریخ قتل‌عام ارمنیان توسط حکومت ترکیه»، این واقعه تاریخی را مطالعه کرده است. وی در این مقاله، درباره انگیزه‌های قتل‌عام و آمرین آن تحقیق کرده است. این نویسنده با تأیید فرضیه هلوکاست علیه ارمنیان، یکی از انگیزه‌های این کشتار را گسترش طرح‌ها و قانون‌های پان‌ترکیسم در امپراتوری عثمانی عنوان کرده است؛ زیرا ارامنه و جنبش‌های آنان را یکی از موانع جدی طرح‌های توسعه‌طلبانه ترک‌ها دانسته است. این نویسنده،

دخالت محافل فراماسونر صهیونیستی را در طراحی قتل عام ارامنه مطرح کرده است. وی معتقد است که ارامنه و صهیونیست‌ها، در امپراتوری عثمانی همواره در حال رقابت بوده‌اند و با قتل عام گسترده ارامنه، رقیب شماره یک صهیونیست‌ها در این امپراتوری حذف شده است (باغداساریان، 1385: 1 تا 10).

عابدپور (1386)، در مطلبی با عنوان «قتل عام ارامنه در سال 1333 ق/ 1915 م، بر پایه اسناد و مدارک» به بررسی ادعای ارامنه در رابطه با کشتار گسترده آنان توسط دولت عثمانی پرداخته است. عابدپور با مخدوش دانستن برخی از ادعاهای ارامنه، مدعی است قتل عام سازماندهی شده‌ای در جریان نبوده است؛ بلکه وضعیت خاص دوره جنگ جهانی، قحطی و گرسنگی گسترده‌ای که در دولت عثمانی پیش‌آمده کشته شدن جمعیت کثیری را باعث شد که شامل ترک‌ها و کردهای مسلمان و ارامنه بودند. وی این نظر را مطرح می‌کند که وضع جنگی و جنگ روانی کشورهای بریتانیا و فرانسه علیه عثمانی، این واقعه را پررنگ نشان داده و مسئله ارامنه را به یکی از مسائل بغرنج تاریخ‌نگاری معاصر تبدیل کرده است. او همچنین، در مقابل تبعید اجباری ارامنه توسط دولت عثمانی، اخراج مسلمانان از منطقه بالکان توسط روسیه را مطرح کرده که منجر به کشته شدن تعداد بسیاری از مسلمانان شده است. این نویسنده در نهایت، مدعی است تا زمانی که آرشیوهای روسیه و ارمنستان به روی محققان بسته باشد، با اتکا به اطلاعات آرشیوهای ترکیه نمی‌توان به فهم درستی از برخورد امپراتوری عثمانی با ارامنه رسید (عابدپور، 1386: 24 تا 27).

طباطبایی (1390) نیز در مقاله‌ای با عنوان «قانون مجازات انکارکنندگان قتل عام تاریخی ارامنه در پارلمان فرانسه» ضمن بازخوانی این کشتار، به جنبه‌های سیاسی این قانون در پارلمان فرانسه پرداخته است. طباطبایی این نظر را مطرح می‌کند که اختلافات ارضی قومی ارامنه و ترک‌ها، در گذر تاریخی و بستر تحولات منطقه‌ای، در هر دوره‌ای شکلی به خود گرفته است. ارامنه معتقدند که واقعه 1293 ش/ 1915 م، تنها حادثه‌ای تلخ تاریخی نیست؛ بلکه هویت قوم ارمنی در کشاکش نزاع‌های یک‌طرفه تاریخی مخدوش شده است و اصلی‌ترین عامل آن را نیز اقدامات امپراتوری عثمانی، در طول سالیان متمادی، به‌ویژه در طول جنگ جهانی اول و کشتار گسترده ارامنه ساکن عثمانی می‌دانند (طباطبایی، 1390: 2 تا 20).

در مقاله حاضر ضمن استناد به تحقیقات و مقالات تحقیقی برای اثبات یک ادعای تاریخی، معتقدیم استدلال‌ها و یافته‌های تاریخی که اخیراً مورخان ترک و دولت ترکیه منتشر کرده‌اند در آثار فوق غایب است؛ از این رو، سعی می‌کنیم با درج این استدلال‌ها، کاستی‌های آثار قبلی را جبران کنیم.

مبانی نظری پژوهش

الف - امنیت مرزها:

حفظ و گسترش امنیت مرزها و مناطق مرزی دغدغه همیشگی کشورهای است که دارای مرزهای مشترک طولانی با همسایگان خود می‌باشند. دیدگاه‌های نوین در زمینه امنیت مناطق مرزی بر استراتژی توسعه پایدار مناطق مرزی تأکید فراوان دارند. در حقیقت آنچه می‌تواند امنیت مرزها را تضمین نماید توسعه پایدار مناطق مرزی است. با معرفی توسعه پایدار مناطق مرزی به‌عنوان راهبرد اساسی حفظ و گسترش امنیت مرزها به بررسی مناطق مرزی کشور بر اساس این دیدگاه می‌باشد (احمدی، 60:1391).

ب - ژئوپلیتیک¹:

ژئوپلیتیک دارای قدمتی به‌اندازه تاریخ انسان می‌باشد؛ یعنی از زمانی که انسان در جستجوی قلمرو و امنیتی بوده، ژئوپلیتیک نیز معنا و مفهوم داشته است. بسیاری از فرماندهان جنگی از گذشته‌های دور تاکنون در طرح‌ریزی‌های خود به مفهوم ژئوپلیتیک توجه داشته‌اند؛ اما از نظر علمی، دریا دار آلفرد تایرماهان به‌عنوان پدر ژئوپلیتیک شناخته شده و بدین ترتیب ظهور این سنت، بایستی در بوستون به سال 1890 و با انتشار تحقیق این دریادار با عنوان «تأثیر نیروی دریایی بر تاریخ 1782-1660م» رخ داده باشد (مویر، 365:1379). از مؤلفه‌های اثرگذار بر سیاست‌های ملی و بین‌المللی هر کشور ژئوپلیتیک آن است. این اصطلاح اولین بار توسط ردلف کلین استاد علوم سیاسی و نماینده مجلس سوئد مطرح شد (تقوی اصل، 1386:26). ژئوپلیتیک از زمان وضع واژه آن توسط کلین در سال 1899 میلادی تاکنون، ضمن اینکه دچار فراز و نشیب بوده است از نظر مفهومی نیز دچار شناوری بوده و نتوانسته است از شفافیت و ثبات نسبی

1- Geopolitics

برخوردار شود. در تعاریفی که تاکنون به عمل آمده غلبه با آنهایی بوده که سعی داشته- اند از آن به عنوان دانش مطالعه رابطه یکسویه و جبری تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست یاد کنند (حافظنیا، 1390:72). ژئوپلیتیک در نیمه اول قرن بیستم با نظریه- های متعددی توسعه یافت. نظریه‌هایی که عمدتاً به نقش فضای جغرافیایی در قدرت و استراتژیهای جهانی می‌پرداخت. نظریه قلب زمین مکیندر، قدرت دریایی ماهان، نظریه ریملند اسپایکمن و نظریه قدرت هوایی سورسکی هر یک به نحوی الگوهای فضایی خاصی را ارائه داده و بر تغییر و برداشت از قدرت و کنترل جهانی تأثیر گذاشتند (حافظنیا، 1390:74). همان گونه که نظریه‌های ژئوپلیتیک معمولاً با هدف سلطه یا تبعیض نژادی عرضه شده‌اند (الهی، 1384:19). تعاریف متعددی از ژئوپلیتیک ارائه گردیده از جمله:

1- درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد. به عبارت دیگر ژئوپلیتیک عبارت است از: علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملل (عزتی، 1388:7).

2- ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی، اثر محیط و اشکال و پدیده‌های محیطی، چون موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی، وسایل جمعی و ... را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی به‌ویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه و بررسی می‌کند (مجتهد زاده، 1381:128).

3- ژئوپلیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر (حافظنیا، 1384:37).

از تعاریف بالا این طور برداشت می‌شود که ژئوپلیتیک می‌تواند به عنوان یک عامل مثبت یا منفی در تعقیب سیاست خارجی کشورها نقش ایفا نماید؛ بنابراین کشورها از لحاظ دسترسی به آب‌های آزاد، موقعیت جغرافیایی، وسعت و شکل سرزمینی یا منابع طبیعی، همسایگی با کشورهای قدرتمند، جمعیت، ترکیب قومی و ... با دیگر کشورها در تعامل مثبت و منفی قرار می‌گیرد؛ که این امر باعث می‌شود که یک کشور با ژئوپلیتیک مناسب

دارای وزن و منزلت ژئوپلیتیکی در سطح منطقه‌ای و جهانی باشد و کشور دیگر با موقعیت ژئوپلیتیک پست، از وزن و اعتبار بالایی در سطح منطقه‌ای و جهانی برخوردار نباشد.

کشتار ارامنه

ارامنه معتقدند که نسل‌کشی و قتل‌عام گسترده علیه ارمنیان در بحبوحه جنگ جهانی اول رخ داده و حکومت عثمانی رفتاری مشابه حکومت نازیسم آلمان، در قبال یهودیان داشته است. از سویی دیگر برخی مورخان ترک این موضوع را غیرواقعی و غیر تاریخی می‌دانند و آن را رد می‌کنند. دولت ترکیه با وجود پذیرش واقعه دردناک تاریخی در قبال ارمنی‌ها در اثنای جنگ جهانی اول در امپراتوری عثمانی، از پذیرفتن این واقعه به‌عنوان نسل‌کشی خودداری کرده است. این دولت وجود سیاست سیستماتیک و عمدی، برای نابودی ارامنه را قبول ندارد. دولت ترکیه جان باختن تعدادی از ارامنه را در طول جنگ جهانی اول را به رسمیت شناخته است؛ اما مدعی است که در این واقعه ترک‌های مسلمان هم کشته شده و مورخان ارمنی، در بازتاب تعداد کشته‌شدگان ارمنی بزرگ‌نمایی کرده‌اند (امیدی، رضایی، 1392: 58). بسیاری نسل‌کشی 1915 م را بخشی از یک سیاست بلندمدت دولت‌ها می‌دانند که پیش از آن در قتل‌عام بیش از 200000 ارمنی در سال‌های 1899-1894 توسط شوروی صورت گرفته است. (de, 2010:4) Zayas, phil و در ادامه از اواخر تابستان 1914 م شهرک‌های ارمنی در هر دو طرف مرزهای عثمانی با ایران و قفقاز توسط نیروهای عثمانی غارت شد و مردان ارمنی کشته شدند (Bloxham, 2003:141).

با توجه به اینکه ایران در همسایگی دولت‌های ارمنستان و ترکیه می‌باشد و از طرفی با هر دو کشور روابط حسنه و تاریخی دارد لذا پی بردن به علل ریشه‌های این رویداد با توجه به درخواست‌های طرفین برای رمزگشایی از این مسئله می‌تواند دارای اهمیت باشد. در ادامه به علل و اهداف کشتار ارامنه توسط حکومت عثمانی می‌پردازیم. بر اساس نظرات و دیدگاه‌های متفاوتی که در رابطه با اهداف کشتار ارامنه توسط اندیشمندان و پژوهشگران مختلف مطرح گشته است. چهار دلیل اصلی را می‌توان عنوان نمود که در این میان تنها یک دلیل اصلی وجود دارد و آن هم تفکرات پان‌ترکیسم در میان ترکان جوان می‌باشد و سه دلیل دیگر از دلایل فرعی موضوع می‌باشد. در ذیل به تشریح این چهار علت می‌پردازیم.

اهداف ملی‌گرایی (پان‌ترکیسم)

ایدئولوژی پان‌ترکیسم تنها از طریق حضور یک ترکیه قومی می‌تواند تحقق یابد. برای اینکه ترکیه بتواند نقش خود را به‌خوبی ایفا کند بایستی بافت قومی آن یکپارچه ترک شود. ملل دیگر بایستی یا ترک شوند یا از میان بروند. اجرای طرح پان‌ترکیسم از همان دوران حکومت عبدالحمید آغاز شد و سپس مورد پذیرش رسمی و پیگیری ترک‌های جوان قرار گرفت. از آن‌پس این ایدئولوژی محور سیاست‌های دولتی همه حکومت‌های ترک را تشکیل داد. پان‌ترکیسم بود که در اجرای مرحله اول پان‌ترکیسم، نسل‌کشی ارمنیان را در ارمنستان غربی و دیگر مناطق ارمنی‌نشین ترکیه به اجرا درآورد. پان‌ترکیسم در سال‌های م 1915 تا م 1920 دست به کشتار زد تا از این طریق راه را به‌طرف شرق به‌سوی ایجاد یک حکومت ترکی بگشاید. چراکه ارمنیان همچون دیواری آهنین میان ترک‌های عثمانی و ترک‌زبانان قفقاز قرار گرفته بودند و جابجایی آنها می‌توانست پیوند جغرافیایی این دو را محقق کند (امیدی و رضایی، 1392: 63).

پادشاهان عثمانی بالأخص سلطان عبدالحمید دوم، به فکر ایجاد دنیای اسلام تحت عنوان اتحاد اسلام بودند و همیشه در فکر رسیدن به آسیای میانه و ترکستان در آن‌سوی خزر بودند. در این بین ارمنه را مانند سدی در مقابل خود می‌دیدند که مانع اجرای این طرح بودند. سلطان عبدالحمید و اطرافیان او به‌خصوص عده‌ای از رجال افراطی، بزرگ‌ترین دشمن «ترک» و «امپراتوری عثمانی» را ارمنه مقیم سرزمین عثمانی می‌دانستند. علت اصلی این دشمنی، حسادت و کینه‌توزی نسبت به ثروت و فعالیت فراوان ارمنه و زندگی مرفه و آسوده آنان بود (رائین، 1357: 32). با این اوصاف طبیعی بود که عثمانی طرح کشتار ارمنه را در سر بیرواند؛ زیرا استحاله و انهدام ملت ارمنی بخش جدایی‌ناپذیر فرآیند تشکیل ملت ترک در ترکیه بود. (باغدارساریان، بی‌تا: 7).

اشتراکات فرهنگی، تاریخی و قومی عثمانی با ترکستانات در شرق و غرب خزر و تلاش عثمانی برای یکپارچه‌سازی این مناطق می‌تواند یکی از عللی باشد که کشتار ارمنه را توسط عثمانی توجیه می‌کند. این تمایل را در دوره معاصر و در روابط جمهوری آذربایجان و ترکیه نیز می‌توان مشاهده کرد. به‌طوری‌که در اتفاقات حادث شده میان دولت‌های ارمنستان و آذربایجان، ترکیه همواره جانب آذربایجان را گرفته و تمام‌قد از آن دفاع کرده است. به عبارتی وجود پیوندهای هویتی و قومی بین دو کشور ترک‌زبان

ترکیه و جمهوری آذربایجان موجب حمایت همه‌جانبه آنکارا از باکو در مقابل سیاست‌های ایروان (ارمنستان) شده است. حتی قطع مناسبات دیپلماتیک، اعمال تحریم‌های اقتصادی و بستن مرزهای دو کشور از جمله اقدامات دولت‌مردان ترک در دو دهه گذشته در قبال ارمنستان بوده است (قلی زاده، 1389: 89).

در زمان جنگ اول جهانی حکومت عثمانی برای شوراندن مسلمانان جهان علیه انگلیس، فرانسه و روسیه حکم جهاد صادر کرد و مسلمانان را در جنگ به یاری طلبید. آنها معتقدند آرامنه باوجود اینکه در حکومت عثمانی زندگی می‌کردند به نفع حکومت عثمانی اقدامی نکردند؛ بلکه برعکس اقدامات آنها برضد منافع حکومت عثمانی بوده است. آنها معتقدند «مسیحیان ساکن امپراتوری عثمانی به دلیل هم‌مذهبی با روس‌ها در طول جنگ اول جهانی به نفع آنها در جنگ شرکت کردند و همین امر سپاه عثمانی را در برابر آنان قرار داد و منجر به آوارگی و نابودی جمع زیادی از مسیحیان گردید» (حیدری، 1389: 235)؛ اما این ادعا نمی‌تواند کشتار آرامنه را توجیه نماید درواقع آنچه این کشتار را بیان می‌کند همان تفکرات ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه پان‌ترکیسم است که آرامنه را سدی در راه رسیدن به اهداف خود می‌داند. درواقع، ارمنیان و جنبش آزادی‌بخش ارمن مانع بزرگی برای اجرای طرح‌های توسعه‌طلبانه پان‌ترکیست‌ها بودند که محرکان اصلی گروه اخیر دولت‌های آلمان، انگلیس و فرانسه بودند. جنبش واقعی آزادی‌بخش ارمنیان تمایلات روسی داشت و این امر در تضاد با منافع غرب بود. (باغدادساریان، بی‌تا: 8).

اهداف استقلال طلبی

تقابل عثمانی و آرامنه بر اساس مستندات تاریخی به سده‌های گذشته مربوط می‌شود چنانکه آقای باغدادساریان از دانشمندان مشهور آرامنه می‌نویسد: کشتار ارمنیان از سده 15 م آغاز می‌شود. لیکن هنگامی که مبارزات آزادی‌بخش ارمنی به صورت متشکل درآمد کشتار ارمنیان در نیمه سده 19 وارد مرحله نوینی از نظر سازماندهی و برنامه از پیش طراحی شده گردید (باغدادساریان، بی‌تا: 40). آنچه مسلم است هدفمند بودن کشتار آرامنه در 1915 میلادی می‌باشد. طرح قتل‌عام و نابودی کامل ملت آرامنه توسط ترک‌ها در اواخر سده 19 م تهیه شده بود لیکن اجرای گسترده آن توسط حکومت ترکان جوان انجام گرفت (باغدادساریان، بی‌تا: 6). حکومت عثمانی در توجیه

قتل عام ارمنه، حضور آنها را در مناطق درگیری و تلاش برای استقلال طلبی را عنوان می‌کنند اما مستندات چیز دیگری را بیان می‌کنند.

حقیقت آن است ارمنه در مناطق جنگی سکونت نداشتند. هیچ‌یک از شهرها و آبادی‌هایی که آنها، به طرز دقیق و طبق برنامه از آنجا به سوی مرگ تبعید می‌شدند به‌هیچ‌وجه، به مقر خصومت‌ها و زد و خوردها نزدیک نبود. آنها همگی در داخل آناتولی بودند که از جبهه‌ی قفقاز و بغداد و اردانل به یک نسبت دور بود. امکان تشریک‌مساعی آنان با ارتش‌های متفقین به‌هیچ‌وجه وجود نداشت و به همین ترتیب این امکان نیز که خود آنها علم طغیان برافروزند، ابدأ میسر نبود؛ زیرا دارای جامعه‌ی متشکلی نبودند بلکه در کشوری پهناور به‌صورت گروه‌هایی کوچک پراکنده به سر می‌بردند و در همه‌جا در مقایسه با همسایگان عثمانی خود کاملاً در اقلیت محض بودند. قدرت کشوری و لشکری به‌طور دریست در ید اختیار عثمانی‌ها بود و هیچ‌گونه احتمال توسل به‌زور از جانب ارمنه ابدأ مطرح نبود (رائین، 1357: 103).

ترکان عثمانی معتقد هستند ارمنه ساکن در امپراتوری از دیرزمان به فکر استقلال بودند و برای رسیدن به این مهم دست به اقداماتی نیز زده‌اند و اقدامات مسلحانه علیه حکومت مرکزی نیز صورت داده‌اند. در واقع با وقوع جنگ اول جهانی روس‌ها و انگلستان برای فشار بیشتر به عثمانی‌ها باعث تحریک ارمنه گردیدند و آن‌ها را برای استقلال طلبی تشویق کردند. آنها مدعی‌اند هدف ارمنه، تشکیل حکومت مستقل ارمنستان بود و این هدف با کمک روس‌ها صورت گرفت. در دهه 80 و 90 قرن نوزدهم میلادی، گروه‌های انقلابی ارمنی با کمک دولت روسیه تشکیل شد. این گروه‌ها ملهم از دیدگاه ناسیونالیستی و سوسیالیستی بودند. تروریسم ابزار مهم این گروه‌ها بود. هدف شورش گسترده ارمنه از داخل علیه دولت عثمانی و تضعیف آن بود.

ارمنه در شمال و شرق قلمرو عثمانی از جمعیتی قابل توجهی برخوردار بودند و لذا شورش‌ها در شهرهایی مانند سامسون، زیتون، وان در سال 1884 م و 1885 میلادی رخ داد. در جریان این شورش از دو طرف مسلمان و ارمنی بین 17 تا 20 هزار نفر کشته شدند. گروه‌های انقلابی ارمنه در شرق عثمانی به کشتار جمعیت کرد پرداختند و کردها متقابلاً دست به انتقام‌جویی زدند. (عابدپور، 1386: 25). زمانی که روس‌ها، ایروان را طی جنگ‌های ایران و روس متصرف شدند بخش اعظم جمعیت این منطقه مسلمان

بودند. روس‌ها در حدود 60 هزار مسلمان را از این مناطق بیرون راندند. این بخشی از جابه‌جایی جمعیتی بود که باهدف تغییر نقشه سیاسی منطقه صورت گرفت. جابه‌جایی جمعیت قفقاز در سراسر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ادامه داشت (عابدپور، 1386:24). شاید یکی از دلایل برخورد عثمانی با ارامنه نقش روس‌ها در جابه‌جایی جمعیت در منطقه بالکان و قفقاز باشد، عثمانی‌ها از ترس تغییر نقشه جغرافیایی با جابه‌جایی جمعیت تلاش داشتند این نقشه را ناکام گذارند. روس‌ها در جنگ با ترک‌ها با تصرف برخی ایالات از جمله قارص، بایزید و ... ارمنیان را با وعده و وعیدهای توخالی و به بهانه تجمع و متمرکز ساختن آنها در ایالات جنوبی قفقاز و تشکیل سرزمین ارمنستان مستقل، مجبور به مهاجرت کرد. این مهاجرت خواسته یا ناخواسته به عثمانیان گران آمد، زیرا بخشی از نیروی فعال امپراتوری که صنعت و داد و ستد را می‌چرخاند، از دست رفت. پیوند دیرینه ترکان با ارمنیان به سستی گرایید (ناطق، 1387:299).

ظاهراً عثمانی‌ها از تجربه بالکان آموخته بودند که باید نژادهای ارمن را برای جلوگیری از استقلال قتل‌عام کرد. این تجربه را عبدالحمید در دو ایالت شرقی به کار بست، جایی که می‌ت رسید ارمن‌های فعال و مستعد، همانند بلغارها که در 1878م از روسیه استقلال یافتند در پی استقلال باشند. لذا دقت عمل را دوچندان کرد و تعدیات جدیدی اعمال داشت و با بکار گرفتن قبائل کرد بنام «مبارزان حمیدیه» منظور خود را به اجرا درآورد (توین بی، 1392:200). استقلال کشورهای سابق تابع امپراتوری عثمانی شامل بلغارستان، یونان، بالکان، باعث شد این کشور توجه خود را به مرزهای شرقی معطوف کرده و جنبش‌های ارمنی را سرکوب کند (باغدارساریان، 1385:8). از دیدگاه ترکان مجموعه چنین فعالیتی توسط ارامنه و نقشه‌های از پیش طراحی شده روس‌ها، کینه‌ای را در دل آنها جای داد و نهایتاً در سال 1915 م انتقام خود را از ارامنه گرفتند.

اهداف نظامی (جاسوسی - نظامی)

از دیگر دلایل یا بهانه‌های کشتار ارامنه توسط حکومت عثمانی اقدامات نظامی و جاسوسی ارامنه برای کمک به دول متفق در جنگ اول جهانی می‌باشد. آنها مدعی هستند مسیحیان ساکن عثمانی، به تحریک روس‌ها، در اقدامات نظامی علیه سربازان عثمانی شرکت نموده و در پاره‌ای از مواقع نقش ستون پنجمی (جاسوس) را برای

روس‌ها ایفا می‌کردند. لذا لازم بود آنها از مناطق خود به مناطق دیگر کوچانده شوند تا از اقدامات آنها جلوگیری نمایند. حکومت عثمانی معتقد است «مسئله ارمنی» در قالب «مسئله شرق» و وجود ارمنیان در قلمرو حکومت ترک‌ها بهانه‌ای برای دولت‌های امپریالیستی اروپایی بود تا توسط آن بتوانند در امور حکومت ترک دخالت کنند (باغدارساریان، 1385: 7). این دخالت‌ها حتی در صحنه‌های درگیری نیز قابل مشاهده بود. به طوری که، در منطقه عملیات نظامی ارمنه، آشکارا با روس‌ها همکاری می‌کردند. عده‌ای از عیسویان مقیم حوالی ارزالروم در دسامبر 1914 م به ماوراء قفقاز (قفقاز شمالی) کوچ کرده بودند. افراد داوطلب برای ورود به دسته‌های ارمنی متشکل از طرف روس‌ها از مرز می‌گذشتند، پارتیزان‌های ارمنی معمولاً قسمت‌های عقب سپاه عثمانی را مورد حمله قرار می‌دادند. محله‌ی ارمنی‌نشین وان به صورت قلعه‌ای درآمد بود چنانکه توانست مدت یک ماه در مقابل ارتش عثمانی ایستادگی نماید. حکومت عثمانی مدعی است رفتار ارمنه ساکن در امپراتوری مشکوک بوده لذا آنها را زیر نظر گرفته حتی این وضع در مورد نظامیان ارمنی که در سپاه عثمانی خدمت می‌کردند نیز جاری بوده است. روی این اصل دولت عثمانی تصمیم گرفت اقدامات اساسی زیر به عمل آورد:

1- افراد نظامی ارمنی از واحدهای مسلح فراخوانده شده و به واحدهای غیرمسلح منتقل و به خدمات خارج از صف پردازند.

2- ارمنه را از مناطق عملیات نظامی جمع‌آوری کرده و در سوریه اسکان دهند (اصفهانیان، 1356، 24-25).

ترک‌ها مدعی بودند: «ما در جنگ هستیم، برای موجودیت خود می‌جنگیم. ارمنی‌ها امید پیروزی دشمنان ما را داشتند و برای این پیروزی توطئه می‌کردند. آنها جنایت‌کاران پراکنده در منطقه جنگی بودند و ما ناگزیر شدیم در برابر آنها به شدت عمل نظامی متوسل شویم» (توین بی، 1390: 71). از نظر حکومت عثمانی این اقدامات ارمنه در مناطق جنگی، کوچ اجباری آنها را توجیه می‌کند؛ اما می‌توان در این کوچ اجباری نشانه‌های انتقام را مشاهده کرد. یحیی دولت‌آبادی از نمایندگان مجلس شورای ملی این چنین به شرح این رویداد می‌پردازد: «سال‌هاست ارمنه‌ی عثمانی یعنی فرقه دانشناکسیون برضد دولت عثمانی اقداماتی نموده و می‌نمایند و همیشه دولت عثمانی در جلوگیری از مفاسد آنها سعی بوده است چند سال پیش در موقع جنگ وان و اطراف

آن و در حوالی آذربایجان قشون عثمانی تصادف کرد با حملات ارامنه که به حمایت روس‌ها درآمده بودند و در موقع غلبه قشون روس، ارامنه حامی آنها از قتل و غارت و حتی تجاوز به ناموس مسلمانان فروگذار نکردند. حکومت عثمانی نیز به تلافی حرکات گذشته آنها و برای جلوگیری از دسیسه کاری کنونی که بسیاری از آنها جاسوس دشمنان آنها بوده و هستند، ارامنه‌ای را که از آنها بدگمان بود گرفتار و طرد و منع نموده و در مواقع مهمی مخصوصاً در آناتولی که جمعیت زیاد داشتند آنها را از زن و مرد و کوچک و بزرگ طرد نموده و اموالشان را ضبط کردند» (حیدری، 1389: 235).

مورخان ارمنی معتقدند که ترک‌ها در طول جنگ به اقلیت ارمنی سوءظن داشته و آنها را ستون پنجم دشمن قلمداد می‌کردند؛ از این رو به دنبال بهانه‌ای برای قلع و قمع آنها بودند. برخی منابع در تأیید این ادعا به این گفته مقامات ترک استناد می‌کنند: «ما در حال جنگ بودیم. برای بقای خودمان می‌جنگیدیم. ارامنه به پیروزی دشمنان ما دل‌بسته بودند و توطئه می‌کردند تا آن پیروزی را میسر سازند. آنها در منطقه‌ای جنگی در کمال آزادی دست به خیانت می‌زدند و ما ناچار بودیم علیه آنها با انضباط نظامی رفتار کنیم.» ولی چنین معاذیری با حقایق مغایرت دارد؛ این ارامنه در مناطق جنگی سکونت نداشتند. هیچ یک از شهرها و آبادی‌هایی که آنها، به طرز دقیق و طبق برنامه از آنجا به سوی مرگ تبعید می‌شدند به هیچ وجه، به مقر خصومت‌ها و زدوخوردها نزدیک نبود. آنها همگی در داخل آناتولی بودند که از جبهه قفقاز و بغداد و اردانل به یک نسبت دور بود (رائین، 1357: 103 و 102).

اهداف مذهبی

از دیگر بهانه‌هایی که باعث کشتار ارامنه گردید می‌توان به علل مذهبی اشاره کرد. حکومت عثمانی معتقد است ارامنه به جهت هم‌مذهبی با روس‌ها در جنگ، به نفع آنها اقدام می‌کردند و نسبت به سرزمین خود احساس بیگانگی داشتند. در ایام جنگ جهانی، حکومت عثمانی برای اینکه مسلمانان نواحی مختلف جهان را علیه انگلیس، فرانسه و روسیه بشوراند حکم جهاد علیه آنها را صادر کرد و از مسلمانان چین، افغانستان، آفریقا، ایران و ... خواست در جنگ علیه روسیه، انگلیس و فرانسه به یاری سربازان عثمانی به جهاد بپردازند، مسیحیان ساکن امپراتوری عثمانی هم به دلیل مذهبی با روس‌ها، در طول جنگ اول جهانی به نفع آنها در جنگ شرکت کردند و همین امر سپاه عثمانی را

در برابر آنان قرار داد و منجر به آوارگی و نابودی جمع زیادی از مسیحیان گردید (حیدری، 1389: 235). عدم همراهی ارمنه با عثمانی‌ها در طول جنگ شاید به جهت علایق مذهبی با روس‌ها بوده است و این عدم همراهی باعث تکدر خاطر حکومت عثمانی گردیده بود و آنها به دنبال فرصتی برای انتقام‌گیری از ارمنه بودند. از طرفی ارمنه حاضر نبودند دین اسلام را اختیار کنند و همراه حکومت عثمانی در جنگ مشارکت کنند. با این وجود ارمنی‌ها مسیحی بودند و باوجود فشار و تعقیب و تجاوز حاضر نمی‌شدند دین خود را عوض کنند و به اسلام بگردند؛ از این رو اقداماتی چون نسل‌کشی توحیه مذهبی داشت (امیدی و رضایی، 1392: 63).

ح- ادامه تنش در روابط ارمنستان و ترکیه تا امروز

ترکیه و ارمنستان در طول یک قرن اخیر روابط تیره و خصمانه‌ای باهم داشته‌اند به طوری که بنا به ادعای ارمنی‌ها، بیش از یک و نیم میلیون ارمنی تبار ساکن مناطق شرقی ترکیه در فاصله سال‌های 1915 م الی 1917 م قتل‌عام شده و بسیاری از آنها نیز مجبور به کوچ اجباری به کشورهای هم‌جوار از جمله روسیه، ارمنستان، ایران، عراق، سوریه و حتی لبنان شده‌اند (حیدری، 1389: 238). ترکیه همواره دخالت داشتن در این نسل‌کشی را رد و اعلام کرده است که کشته‌شدگان تنها تلفات جانبی جنگ جهانی اول بوده‌اند و هیچ تلاشی برای کشتار دسته‌جمعی و عمدی آنها صورت نگرفته است و در خلال آن سال‌ها، تعداد زیادی از اتباع ترک مسلمان ساکن مناطق شرقی ترکیه نیز در درگیری‌هایی که به تحریک قدرت‌های خارجی از جمله روسیه، فرانسه و انگلیس انجام شده بود، کشته شده‌اند. از زمان استقلال ارمنستان نیز این دو کشور همسایه به همین دلایل تاریخی مناسبات رسمی ندارند چراکه ارمنستان به شناسایی کشتار 1915 ارمنه از سوی عثمانی تأکید دارد ولی مقامات ترکیه وقوع این کشتار را تکذیب و رد می‌کنند (امیدی و رضایی، 1392: 64). در سال‌های گذشته مطرح شدن عبارت ارمنستان غربی به بخش‌هایی از جنوب و شرق ترکیه در بیانیه استقلال ارمنستان و نیز نپذیرفتن قرارداد 1921 قارص مابین شوروی و ترکیه از سوی ارمنستان که مرز کنونی دو کشور را تعیین کرده است، از جمله دلایل اختلاف دو کشور در 27 سال گذشته بوده است. استفاده ارمنستان از تصویر کوه‌های آارات کوچک و بزرگ

به‌عنوان نشان دولتی درحالی‌که این کوه‌ها با نام آغری کوچک و بزرگ در خاک ترکیه قراردارند؛ ازجمله اختلافات بین دو کشور است.

بعد از استقلال ارمنستان به‌ویژه در اواخر دوره ریاست جمهوری لئون ترپتروسیان رئیس‌جمهوری اسبق این کشور در دهه 1990 میلادی گام‌هایی برای عادی‌سازی مناسبات با ترکیه برداشته شد؛ اما این تلاش‌ها با اعتراض گروه‌های سیاسی و استعفای ترپتروسیان متوقف شد. در مارس 2000 و دو سال پس از روی کار آمدن رابرت کوچاریان، به منظور رفع اختلافات کمیسیون آشتی میان ترکیه و ارمنستان، متشکل از دیپلمات‌های بازنشسته دو کشور تأسیس شد اما این کمیسیون نیز سه سال بعد به علت ناتوانی در حل کشمکش دو کشور بر سر مسئله کشتار 1915 ارمنه منحل شد (رائین، 1357: 104).

ایروان و آنکارا سال 2009 نیز توافقنامه روابط دیپلماتیک و باز شدن مرزهای مشترک را امضا کردند که پیش از اجرایی شدن، به دلیل پافشاری ترکیه و جمهوری آذربایجان مبنی بر خروج نیروهای ارمنستان از مناطق اشغالی قره‌باغ عملیاتی نشد. در سال‌های گذشته برای برقراری روابط رسمی میان ترکیه و ارمنستان، تلاش‌های زیادی بین دو کشور برای بازگشایی کامل مرزها و عادی‌سازی مناسبات انجام شده ولی همه این تلاش‌ها ناکام و بی‌نتیجه مانده است چراکه هیچ‌کدام از طرفین حاضر به عقب‌نشینی از موضع خود نیستند. پنج سال پیش، دیداری مخفی بین دیپلمات‌های دو کشور برای برقراری روابط رسمی در سوئیس انجام شد ولی این دیدار نیز نتیجه‌ای در بر نداشت. دو کشور ترکیه و ارمنستان تمایل زیادی برای عادی‌سازی مناسبات دارند ولی تاکنون نگرش‌های قوم‌گرایانه و ایدئولوژیک مانع از برقراری این ارتباط شده است (امیدی و رضایی، 1392: 69).

ترکیه عادی‌سازی مناسبات با ارمنستان را به خودداری ایروان از پیگیری مسئله کشتار 1915 مشروط کرده است. این در شرایطی است که بسیاری از محافل سیاسی ارمنستان این موضوع را که در قانون اساسی این کشور نیز به آن اشاره شده است، خط قرمزی برای منافع ملی‌شان می‌دانند. ترکیه همچنین نگران پیامدهای ادامه شناسایی کشتار 1915 ارمنه به‌عنوان نسل‌کشی از سوی کشورهای جهان و همچنین نگران تبدیل شدن این موضوع به یکی از پیش‌شرط‌های عضویت در اتحادیه اروپاست و از این

رو تمایل دارد با برگزاری مذاکره دوجانبه با ارمنستان به توافق دست یابد. برخی کارشناسان ترکیه معتقدند که نبود مناسبات رسمی با ارمنستان به حضور مؤثر ترکیه در قفقاز ضربه زده و موجب بسیج لابی ارمنه در کشورهای مختلف علیه آنکارا شده است. ارمنستان که با چهار کشور ایران، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه همسایه است، با دو کشور همسایه شرقی و غربی خود یعنی جمهوری آذربایجان و ترکیه به علت اختلافات دامنه‌دار قومی و مالکیت بر برخی اراضی، در شرایط قطع ارتباط قرار دارد ولی خواهان برقراری روابط با ترکیه است (رائین، 1357: 109).

قطع ارتباط ارمنستان با جمهوری آذربایجان و ترکیه بیشترین خسارت را به این کشور زده، به طوری که موجب شده است که خطوط انتقال انرژی جمهوری آذربایجان به جای عبور از نزدیک‌ترین مسیر و از داخل خاک این کشور به سمت خاک گرجستان تغییر مسیر دهد. علاوه بر این، ارمنستان به علت نبود روابط رسمی نمی‌تواند از ظرفیت همسایه شرقی و غربی خود در توسعه تجارت و حمل‌ونقل و ترانزیت استفاده کند. ملی‌گرایان ترکیه که همواره مدافع جمهوری آذربایجان در برابر اشغال اراضی این کشور در منطقه قره‌باغ از سوی ارمنی‌ها بوده‌اند، مخالف هرگونه امتیازدهی به ارمنستان در مسئله کشتار 1915 ارمنه هستند (حیدری، 1389: 245). آنها معتقدند که عادی شدن مناسبات با ارمنستان ضربه‌ای سیاسی و روانی به دولت باکو محسوب می‌شود چراکه آنها جمهوری آذربایجان متحد کشور خود دانسته و همواره شعار یک ملت دو دولت را سر داده‌اند. ملی‌گرایان ترکیه همچنین عادی‌سازی روابط آنکارا ایروان را به زیان جمهوری آذربایجان در مناقشه قره‌باغ می‌دانند و بر این اساس دولت ترکیه در داخل نیز با مخالفت‌های جدی در عادی‌سازی روابط خود با ایروان روبه‌روست. ترکیه همچنین نگران پیامدهای عادی‌سازی مناسبات خود با ارمنستان بر روابط خود با جمهوری آذربایجان است چراکه در سال‌های گذشته با این توجیه که به خاطر حمایت از باکو در مناقشه قره‌باغ، مناسبات رسمی با ارمنستان برقرار نمی‌کند، امتیازات زیادی از جمهوری آذربایجان گرفته‌است.

موضع مقامات ترکیه درباره برقراری روابط با ارمنستان افت‌وخیزهای زیادی داشته ولی همواره با شروطی همراه بوده است. رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه خروج ارمنی‌ها از منطقه قره‌باغ جمهوری آذربایجان و بررسی موضوع تاریخی کشتار

ارامنه در خلال سال‌های جنگ جهانی اول توسط کارشناسان را پیش‌شرط این مسئله اعلام کرده است. وی در جریان چند سفر خود به جمهوری آذربایجان همواره اعلام کرده است که ارمنستان باید هر چه زودتر از منطقه قره‌باغ علیا که اشغال کرده است، عقب‌نشینی بکند. وی صاحبان اصلی منطقه قره‌باغ را برادران آذربایجانی خود دانسته و اعلام کرده است ترکیه با این اشغال مخالف است. بینالی یدریم نخست‌وزیر وقت ترکیه نیز حدود دو ماه پیش به دنبال تغییرات جدید سیاسی در ارمنستان گفت که کشورش حاضر است در مسیر کاهش تنش با ارمنستان گام بردارد. یدریم نیز با بیان شرط «اگر ارمنستان رویکردهای گذشته را در قبال مسائل مرزی و همگرایی منطقه‌ای ترکیه کنار بگذارد، آماده مذاکره هستیم»، افزود ما با قصد افزایش دوستان و کاهش دشمنان در پی دشمنی به‌خصوص با همسایگان نیستیم (ناطق، 1387: 298).

رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر وقت ترکیه چهار سال پیش و در آستانه نود و نهمین سالگرد کشتار ادعایی ارامنه در موضعی غیرمنتظره گفت: «امیدواریم که روح ارامنه‌ای که در شرایط اوایل قرن بیستم جان باختند، شاد باشد و به نوه‌های آنان تسلیت می‌گوییم.» وی در بیانیه‌ای مکتوب که به 9 زبان منتشر شد، اعلام کرد: «ما برای ارامنه‌ای که جان خود را در دوران اوایل قرن 20 طلب آمرزش و با نوادگان آنها ابراز همدردی می‌کنیم.» این موضع اردوغان با واکنش‌های متفاوتی روبه‌رو شد چراکه برخی از گروه‌های رقیب داخلی، او را به خاطر این موضع‌گیری مورد انتقاد قرار دادند و رئیس‌جمهوری وقت ارمنستان این تسلیت را نپذیرفت ولی دولت آمریکایی که کنگره آن کشور پیشتر در سال 2010 کشتار ارامنه توسط امپراتوری عثمانی در سال 1915 را به‌عنوان نسل‌کشی به رسمیت شناخته بود، از این موضع‌گیری نخست‌وزیر ترکیه استقبال کرد. رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه اردیبهشت‌ماه امسال نیز وقایع سال 1915 را «دردی مشترک» برای ارمنستان و ترکیه خواند و طی پیامی به مناسبت برگزاری مراسم مذهبی کلیسای ارامنه در استانبول به همین مناسبت گفت: همدردی با آن دسته از شهروندان ارمنی که در طول تاریخ تلخی‌هایی را تجربه کرده‌اند، اساس موضع اخلاقی و وجدان جمعی مردم ترکیه است (ناطق، 1387: 295). رئیس‌جمهور ترکیه در پیام خود همچنین اظهار کرد: از شما خواهش می‌کنم همانند گذشته فرصت

عرض اندام به کسانی که قصد دارند با تحریف تاریخ مشترک ما، به ایجاد کینه و نفرت پردازند، ندهید.

چشم‌انداز روابط ترکیه و ارمنستان و ایران

باوجود تأکید آنکارا و ایروان بر عادی‌سازی مناسبات، احتمال تحول جدی در روابط دو کشور در آینده نزدیک وجود ندارد، مگر این‌که طرفین تغییراتی در مواضع اعلامی خود ایجاد کنند. ذهنیت منفی تاریخی میان دو کشور ترکیه و ارمنستان به‌ویژه میان نخبگان و مردم ارمنستان و ترکیه همواره یکی از مهم‌ترین مشکلات و موانع در دو کشور برای عادی‌سازی روابط بوده است و این مسئله تأثیرات منفی بر روابط ایران با دو کشور دارد. علاوه بر این، اتحادی راهبردی ترکیه با جمهوری آذربایجان اصرار آنکارا بر حل مسئله اشغال قره‌باغ به‌عنوان پیش‌شرط هرگونه مذاکره با ارمنستان ازجمله موانع برقراری این روابط محسوب می‌شود و تا زمانی که مسئله تنش در قره‌باغ به سرانجامی نرسد، برقراری روابط ترکیه و ارمنستان هم محتمل نخواهد داد علاوه بر این، مخالفان داخلی ترکیه نیز ایجاد هرگونه کمیسیونی برای بررسی حادثه کشتار ادعایی ارمنستان را به معنی پذیرش احتمال وقوع این کشتار تلقی کرده و با آن به مخالفت برخاسته‌اند و بر این اساس، این راهکار میانه که برای حل مسئله پیشنهاد شده، با بن‌بست روبه‌رو شده است.

باوجود گشایش‌هایی که در روابط ترکیه و ارمنستان در سال‌های اخیر صورت گرفته است، «مسئله قتل و عام ارمنه» به مسئله‌ای امنیتی نزد نخبگان سیاسی و فرهنگی ترکیه و ارمنستان تبدیل شده است که سایه سنگین آن بر روابط دو کشور باقی خواهد ماند. حال آنکه به نظر می‌رسد ترکیه در سال‌های اخیر وارد روند عادی‌سازی و امنیتی زدایی از «مسئله ارمنی» شده است ولی در ارمنستان کمتر نشانی از این روند مشاهده می‌شود. شاید بتوان یکی از مقاوم‌ترین اختلافات عرصه بین‌المللی را اختلاف و مناقشه در روابط دو کشور ترکیه و ارمنستان دانست. یکی از ابتکارات مهم در این حوزه تشکیل کمپین عذرخواهی از کشتار ارمنه در جنگ جهانی اول بود که توسط جمعی از روشنفکران برجسته ترکیه شکل گرفت و گروهی از مردم از آن حمایت کردند. این نکته از آنجا اهمیت می‌یابد که در هویت ملی، فرهنگ و سنت شفاهی ترکیه همواره گرایشی قدرتمند به برجسته‌سازی افتخارات و پیروزی‌ها و فراموش کردن خاطرات دردناک

فروپاشی عثمانی وجود داشته است. شاهد مثال نسبتاً جدید این مسئله بیانیه سال گذشته میلادی رجب طیب اردوغان است. او در این بیانیه در اقدامی بی‌سابقه، با قربانیان کشتار ارامنه در زمان جنگ جهانی اول و دوران امپراتوری عثمانی ابراز همدردی کرد و ضمن غیرانسانی خواندن پیامدهای آن کشتارها، به نوادگان قربانیان تسلیت گفت. اینها همگی نشانه‌های تأثیرگذاری بعد هویتی و تاریخی قدرتمند «مسئله قتل و عام ارامنه» نزد نخبگان و شهروندان ارمنی است. در ماه‌های اخیر نیز شاهد افزایش بحران مشروعیت دولت ارمنستان و افزایش مخالفت‌های داخلی در خصوص عملکرد دولت بوده‌ایم که حتی به درخواست مخالفین برای انجام انتخابات زودرس ریاست جمهوری منجر شده است. این مسائل همگی نقش مهمی در تلاش گسترده دولت ارمنستان برای برگزاری باشکوه صدمین سالگرد یادبود قتل عام ارامنه و همچنین تصمیم غیرمترقبه خروج از روند تصویب پروتکل‌های سال 2009 م در پاسخ به تلاش ترکیه برای کم اثر کردن این مراسم بوده است. سایه تاریخ روابط ایران و آنکارا، بیش از ترکیه، بر سر ارمنستان افکنده شده است. تحولات هویتی و گفتمانی چند سال اخیر در ترکیه، بخش مهمی از موانع هویتی و تا حدودی سیاسی عادی‌سازی «مسئله قتل عام ارامنه» و روابط با ارمنستان را از میان برده است. حال آنکه «مسئله کشتار ارامنه» و همچنین استفاده سیاسی حاکمین ارمنستان از این مسئله، همچنان مانعی مهم برای بهبود روابط دو کشور باقی خواهد ماند.

تأثیر امنیتی تنش در روابط ترکیه و ارمنستان بر سر کشتار ارامنه بر مرزهای ج.ا.ایران با این دو کشور

ترکیه، ایران و ارمنستان نیز به‌عنوان سه همسایه هم‌مرز، تغییرات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی چشمگیری را تجربه کرده‌اند. اشغال منطقه کوهستانی قره‌باغ در آغاز دهه 1990م روابط ترکیه - ارمنستان را به شدت تحت تأثیر قرار داد و سبب شد تا موضوعاتی چون نسل‌کشی ارامنه از سوی عثمانی بار دیگر مطرح شود. پس از دو دهه قطع رابطه، به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه فصل جدیدی در سیاست خارجی ترکیه در رابطه با همسایگانش از جمله ارمنستان گشود. البته مؤلفه‌های دیگری چون امنیت انرژی، ادامه نزاع‌های حل‌نشده و قدرت‌نمایی روسیه در جنگ با گرجستان، سبب توجه بیشتر ترکیه به منطقه قفقاز شد. به نظر می‌رسید توافقنامه 22 آوریل 2009

ارمنستان و ترکیه در زوربخ، اوج تجلی اراده دو طرف برای بهبود روابط باشد، اما گذشت زمان اوضاع را به گونه‌ای دیگر رقم زد. از سوی دیگر، قفقاز از گذشته تاکنون، چه به‌عنوان بخشی از ایران و چه به‌عنوان حوزه نفوذ آن، همواره مورد توجه ایران بوده است. هرچند روابط تیره ترکیه - ارمنستان فرصت تحرک بیشتری را به ایران می‌داد، اما با تجدید روابط ترکیه - ارمنستان روابط ایران و ارمنستان را تحت تأثیر قرار خواهد داد و بهبود روابط ترکیه - ارمنستان تأثیر منفی بر روابط ایران - ارمنستان نخواهد داشت (کولایی، گودرزی، 1394:70).

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بر اساس اسناد تاریخی در خصوص علل نسل‌کشی ارمنه توسط حکومت عثمانی آورده شده باید در درجه اول به فرصت مغتنم جنگ جهانی اول توسط حکومت عثمانی اشاره کرد که با یک برنامه از پیش تعیین‌شده، نسل‌کشی ارمنه را به اجرا درآورد. آنچه از منابع مختلف حاصل گردید این بود که حکومت عثمانی با توجه به زمینه‌های قبلی به چهار دلیل عمده دست به این اقدام زده که مهم‌ترین آن همان عوامل ملی‌گرایی پان‌ترکیستی و دسترسی به غرب و شرق دریای خزر بود و عوامل دیگر از جمله عوامل مذهبی و مسلمان کردن منطقه آناتولی، جلوگیری از جاسوسی برخی گروه‌های ارمنی در منطقه جنگ با روس‌ها و همچنین با توجه به رشد جمعیت ارمنه در منطقه و با توجه به اصل تعیین سرنوشت، با جابه‌جایی جمعیت از تشکیل دولت مستقل ارمنی در منطقه را می‌توان از جمله بهانه‌هایی نام برد که عثمانی در توجیه رفتار خود بیان می‌کند. آنچه مسلم است این بهانه‌ها فقط برای سرپوش گذاری بر کشتار ارمنه می‌باشد چراکه، ظاهراً ارمنه ساکن در عثمانی، مردمی صلح‌جو و شهرنشین بودند و دستی فعال در صنعت داشته‌اند؛ بنابراین می‌توان نتایج این تحقیق را در دو مورد توجه قرار داد: 1- علل و انگیزه‌های حکومت عثمانی نسبت به این نسل‌کشی. 2- توجه به قوانین حقوق بین‌الملل و تعهد دولت‌ها نسبت به صدمات وارد شده و حق جبران خسارت قربانیان است؛ اما برخلاف این تعهد بین‌المللی جبران خسارت عاطفی و مالی از سوی ترکیه صورت نگرفته و شاید بتوان بر اساس اسناد و مدارک روند رو به رشد

نسل‌کشی بعدازاین حادثه را عدم قبول و پاس‌خگویی دولت عثمانی و همچنین عدم توجه مجامع بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری عنوان کرد.

روابط ایران و ترکیه در دهه‌های اخیر در مجموع رو به گسترش، اما در مقاطعی تحت‌تأثیر اختلافات دو کشور سرد و غیر دوستانه بوده است. این نوسان‌ها باعث شکل‌گیری تبیین‌های متفاوتی از روابط این دو کشور در بین پژوهشگران سیاست خارجی و روابط بین‌الملل شده است. به‌عبارت‌دیگر ایران و ترکیه در دهه‌های اخیر علی‌رغم اختلافات بنیادی با یکدیگر پیوستگی فرایندهای امنیت‌زا و امنیت‌زدایی که بر ایران و ترکیه تأثیر می‌گذارند باعث شده که دو کشور از بحرانی‌شدن اختلافات میان خود جلوگیری نمایند و به همکاری روی آورند. شش عنصر مجاورت جغرافیایی، الگوی دوستی و دشمنی، وجود دو بازیگر مؤثر، استقلال نسبی، وابستگی متقابل امنیتی، روابط فرهنگی - تمدنی و روابط اقتصادی در مناسبات ایران و ترکیه مورد تأثیرگذار است که علت جلوگیری از تنش‌های شدید و گسترش روابط دو کشور، به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی قرار داشتن آنها در یک مجموعه امنیتی بوده است. یکی از مسائل مهم در رابطه با حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور تأمین امنیت مرزی آن کشور است. در حال حاضر، مرزهای ایران با کشورهای همسایه به‌صورت مرزهای طبیعی و مصنوعی در قالب قراردادهای دوجانبه مشخص گردیده و مرزهای کشور از نظر حقوق بین‌المللی به رسمیت شناخته شده است. لیکن در بعضی موارد به دلیل تغییرات حکومتی در کشورهای همسایه، وضعیت بعضی خطوط مرزی از نظر سیاسی، نظامی و غیره امکان بروز اشکالاتی را در روابط ایران با همسایگان خود فراهم کرده است که با اصلاح و تغییر جزئی این خطوط مرزی می‌توان بر این اشکالات تأثیرگذار بر امنیت ملی فائق آمد.

منابع

- احمدی، حسن، روزبه، دادجو (1391) توسعه پایدار مناطق مرزی؛ راهبرد اساسی حفظ امنیت مرزها، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- امید، علی؛ رضایی، فاطمه، (1392) نسل‌کشی یا تراژدی بزرگ ارمنه در سال 1333 ق/1915 م: استدلال‌های مخالفان، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)، شماره سوم پاییز.
- اصفهانیان، داوود، (1356) مسئله ارمنه در امپراطوری عثمانی، فصلنامه کاوه، شماره 66، زمستان.
- الهی، همایون، (1384)؛ «خلیج فارس و مسائل آن»، تهران: قومس.
- اردوان، مهرداد و زمانی نیا، مصطفی، (1386) تاریخ محکوم می‌کند: محاکمه عاملان قتل عام ارمنیان، تهران: سیامک.
- ارمنستان در خاک ایران، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)، شماره 31، زمستان.
- باغداساریان، ادیک، (1390) نگاهی کوتاه به تاریخ قتل عام ارمنیان توسط حکومت ترکیه، فصلنامه آپاگا، بی‌تا، شماره 25.
- تقوی‌اصل، سیدعطا، (1384)؛ «ژئوپلیتیک جدید ایران از قزاقستان تا گرجستان»، تهران: وزارت امر خارجه مرکز چاپ و نشر.
- توین‌بی، آرنولد (مترجم)، ملک نیا، محمد فاضل، (1394) کشتار یک ملت، بی‌جا، بی‌تا.
- حیدری، اصغر، (1389) هولوکاست جیلولوق و تلاش انگلستان برای تشکیل جمهوری
- حافظ‌نیا، محمدرضا، (1385) «تعریفی نو از ژئوپلیتیک»، فصلنامه تحقیقاتی جغرافیایی، شماره 488، بی‌تا.
- راتین، اسماعیل، (1357) قتل عام ارمنه، تهران: امیرکبیر ج 2.
- طباطبایی، مهرزاد (1390) قانون مجازات انکارکنندگان قتل عام تاریخی ارمنه در پارلمان فرانسه، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- عزتی، عزت‌اله، (1388)؛ «جغرافیای استراتژیک ایران»، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- عابد پور، سعید؛ (1386) قتل عام ارمنه در 1915 میلادی بر پایه اسناد و مدارک. فصلنامه تاریخ و جغرافیا (کتاب ماه) شماره 111، مرداد.
- قلی‌زاده، علی ولی، (1389) بررسی تأثیرات روابط ترکیه - ارمنستان بر روابط جمهوری آذربایجان، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره 71، پاییز.

- ناطق، هما، تاریخ(1378) پیامدهای سیاسی و اقتصادی «تنظیمات» عثمانی: ترکان - ارمنیان - ایرانیان. فصلنامه بخارا، شماره 5، فروردین.
- کولایی، الهه، گودرزی، مهناز(1394) تأثیر تحولات روابط ارمنستان و ترکیه بر روابط ارمنستان و ایران، فصلنامه بین المللی ژئوپلیتیک، دوره 11 شماره 37.
- مویر، ریچارد،(1379)؛ «درامدی نو بر جغرافیای سیاسی»، ترجمه: دره میرحیدر، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- Alfred de Zayas J.D., Dr. phil.(2010). The Genocide Against The Armenians 1915-1923 And The Relevance of The 1948 Genocide Convention. Published by Haigazian University.
- Donald Bloxham(2003). The Armenian Genocide of 1915-1916: Cumulative Radicalization and the Development of a Destruction Policy. Past & Present, No. 181 .pp. 141-191.